

## بنکرها

تورم وقتی ایجاد می‌شود که رشد سالیانه نقدینگی از رشد سالیانه تولید، بالاتر باشد. مطابق آمارهای رسمی<sup>۱</sup> در فاصله سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۹۳ (یعنی در طول ۴۱ سال)، تولید ناخالص داخلی واقعی در کشور فقط ۲ برابر شده<sup>۲</sup>، اما نقدینگی در همین فاصله زمانی ۱۵۱۰۳ برابر شده است<sup>۳</sup>. این عدم تناسب بین رشد تولید و رشد نقدینگی باعث شده است که سطح عمومی قیمت‌ها بیش از ۱۰۰۰ برابر شود.<sup>۴</sup> مطابق داده‌های مذکور، هر ۳ سال نقدینگی در کشور دو برابر می‌شود، اما تولید هر ۴۱ سال، ۲ برابر می‌شود!

البته این موضوع را نیز باید در نظر داشت که در طول این چهل و یک سال، جمعیت ایران ۲,۵ برابر شده که به تبع آن، نیروی کار شاغل افزایش یافته است. یعنی باید رشد جمعیت را دلیل مهمی برای افزایش ۲,۰۸ برابری در تولید دانست. دو برابر شدن تولید را باید بیشتر، مدیون مادران ایرانی بود.

مسئولین اقتصادی کشور در طول سال‌های گذشته جهت رفع مشکلات اقتصادی، مدام بر طبل پرداخت وام‌های بانکی به بنگاه‌های تولیدی کوبیده‌اند. به دلیل ماهیت نظام بانکداری در ایران، نقدینگی، رشد بسیار زیادی داشته است. نظام بانکداری در ایران براساس اصلی به نام «اصل ذخیره جزئی» فعالیت می‌کند. هم‌اکنون نظام بانکداری متعارف در ایران با استفاده از قدرت خلق پول و ترکیب آن با نرخ بهره پول، در روند رشد و توسعه اقتصادی کشور

---

<sup>۱</sup> بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

<sup>۲</sup> به‌طور دقیق ۲,۰۸ برابر

<sup>۳</sup> با لحاظ کردن آمار سال ۱۳۹۴، این عدد بیش از ۱۹۲۰۰ برابر است.

<sup>۴</sup> به‌طور دقیق ۱۰۱۶ برابر

موانع جدی ایجاد می‌کند. ارتباط بسیار دقیقی بین تورم در کشور و عملکرد نظام بانکی وجود دارد. از لحاظ علمی، هیچ تردیدی وجود ندارد که نظام بانکداری در ایران متهم ردیف اول در ایجاد، تورم، رکود و فاصله طبقاتی است. برای پی بردن به اهمیت موضوع مدیریت نقدینگی، می‌توان داده‌های آماری آمریکا را قاضی قرار داد. در همین فاصله زمانی که تولید و نقدینگی در ایران به ترتیب ۲ برابر و ۱۵۱۰۳ برابر شده است، آمریکا، افزایش ۴ برابری در تولید و ۱۳,۵ برابری نقدینگی را ثبت کرده است، در حالی که جمعیت در آمریکا ۱,۵ برابر شده است. وجود همین تناسب، توضیح دهنده ثبات سطح عمومی قیمت‌ها در آمریکا است.

وقتی تولید ناخالص داخلی در ایران دو برابر و در آمریکا ۱۲ برابر می‌شود، معنایش آن است که هم‌اکنون شکاف بین قدرت اقتصادی آمریکا و ایران، ۶ برابر بیشتر از قبل شده است!

مدیریت بلندمدت نقدینگی یک مسأله بسیار دقیق علمی است. دانش این مسأله در شبکه مدیریت اقتصادی کشور وجود ندارد. اساساً آمریکایی‌ها از انتقال این تکنولوژی به مخالفین خود به‌طور جدی پرهیز می‌کنند. معمولاً رؤسای فدرال رزرو (بانک مرکزی آمریکا) و معاونین آنها از بین اقتصاددانان طراز اول پولی و مشهور در سطح بین‌الملل انتخاب می‌شوند. رئیس سابق فدرال رزور (۲۰۰۴ الی ۲۰۱۴)، بن برنانکه نام دارد. او یک اقتصاددان مشهور و استاد دانشگاه پرینستون و برنده چندین جایزه علمی در اقتصاد است. براساس گزارش سایت (Repec.org)، برنانکه ۷۰ مقاله علمی منتشر کرده است.

رئیس فعلی فدرال رزور، خانم ژانت یلن است. او نیز استاد اقتصاد دانشگاه (هاروارد و برکلی) و صاحب نظریه است (۵۲ مقاله علمی). همسر خانم یلن، آقای جورج آکرلوف برنده نوبل اقتصاد است.

معاون خانم یلن در فدرال رزور، استانی فیشر نام دارد. استانی فیشر از ۲۰۱۴ معاون فدرال رزور شده است. استانی فیشر، استاد راهنمای رساله دکتری بن برنانکه بوده است. تألیفات فیشر در دانشگاه‌های جهان، دستمایه پژوهش و تدریس است. نام استانی فیشر برای استادان و دانشجویان ایرانی نیز آشنا است. دو منبع درسی در

مقطع دکتری در درس اقتصاد کلان پیشرفته، و همچنین در مقطع کارشناسی، تألیف همین نویسنده است. نکته جالب این است که آقای استانلی فیشر تا قبل از ۲۰۱۴ به مدت ۹ سال رئیس بانک مرکزی اسرائیل بوده است! اساساً همه این اقتصاددانانی که در بالا نام برده شده‌اند، یهودی هستند. خانم یلن رساله دکتری‌اش را با آقای جیمز توبین برنده نوبل اقتصاد دفاع کرده است. جیمز توبین نظریات مشهوری در دفاع از بهره و بانک‌داری ارائه نموده است. توبین برای با اهمیت نشان دادن سیاست پولی (Effectiveness of Monetary Policy) جهت ورود پول به مدل‌های تعادل عمومی، در دانش اقتصاد پولی انحراف ایجاد کرده است. جیمز توبین یک نیوکینزی است و معتقد است پول در اقتصاد مؤثر است. توبین نظریه رشد پولی که نظریه‌ای موافق بانک‌داری است، ارائه نموده است.

استاد راهنمای رساله دکتری آقای توبین، یوزف شومپیتر است. شومپیتر طراح نظریه کارآفرینی است. کارآفرین از نظر شومپیتر کسی است که فرایند تخریب خلاق را راهبری می‌کند. رشد از طریق تخریب خلاقانه و مبتکرانه وضع موجود حاصل می‌شود و کارآفرین کسی است که این امر را ممکن می‌سازد. از نظر شومپیتر و پیروان او، کارآفرین کسی است که ایده دارد، اما پول ندارد و لازم است از طریق خلق وام از هیچ (خلق پول) به او پول برسانیم تا بتواند ایده‌اش را عملیاتی کند. از نظر شومپیتر و پیروانش، پول موجود برای این کار کفایت نمی‌کند و باید پول جدید از طریق فرایند وام‌دهی خلق شود (نظریه موافق بانک‌داری). شومپیتر رئیس بانک خصوصی بیدرمن در اتریش بود. او همچنین عضو هیأت مدیره بانک کافمن نیز بوده است. او مدتی نیز وزیر دارایی اتریش بوده است. در محافل آکادمیک ایران، واژه کارآفرینی شومپیتر، به‌طور ناقص مورد استعمال قرار می‌گیرد. کارآفرین ترجمه فارسی برای عبارت آنتروپرونور است. آنتروپرونور (که به‌نظر می‌رسد گرفته شده از کلمه اینترست انگلیسی و یا آنتقه فرانسوی به معنای بهره باشد) کسی است که می‌تواند بهره بدهد (بهره ده). در ایران هم‌اکنون نهادهای آموزشی و پژوهشی تأسیس شده است که سعی در گسترش نظریات این شخص دارند!

از شومپیتر که بگذریم به استاد راهنمای تز دکترایش می‌رسیم: بوم باورک! ایدئولوگ بهره. بوم باورک نیز برای دوره‌ای وزیر مالیه بوده است. این شخص استدلال‌های محکمی را در جهت تفاوت بهره از ربا برای اولین بار به صورت علمی مطرح می‌کند. از نظر او بهره به سه دلیل از ربا متفاوت است. خداوند در طبیعت و ذات انسان، ریشه‌هایی را برای ایجاد بهره آفریده است و نمی‌توان آنها را انکار کرد. ربا بد است اما بهره خوب است!!

بد نیست بدانیم که کلمه بهره معادل فارسی کلمه لاتین اینترست (Interest) است. اینترست که در اصل به معنای علاقه، جذابیت و مفیدیت است، با تلاش اقتصاددانان، معنای بهره پول را نیز به عنوان یک معنای اضافه، یدک می‌کشد تا بتوان آن را مقابل یوژری (Usury) که در انجیل حرام تلقی شده است، قرارداد.

آقای شومپیتر شاگرد دیگری نیز در کنار توبین، به نام پل ساموئلسن تربیت کرده است. ساموئلسن نیز برنده نوبل اقتصاد است. ایشان در یک مقاله علمی با ترکیب ریاضیات و منطق نشان می‌دهد که بهره یک ریشه چهارمی نیز غیر از سه ریشه بوم باورک (استاد بزرگ) دارد.

بنابراین با تلاش این اقتصاددانان یهودی، بهره چهار ریشه دارد (سه ریشه به نام بوم باورک و یک ریشه به نام ساموئلسن).

می‌دانیم که در دین یهود (کتاب تورات) گرفتن ربا از غیر یهود جایز شمرده شده است. چه ارتباطی بین این توجیهات و آن جایز شمرده شدن وجود دارد؟

دانشمندان دیگری هم هستند که به توسعه این فرایند کمک‌ها نموده‌اند. معمولاً اجازه داده نمی‌شود که اقتصاددانی بخواهد با این جریان اصلی مخالفت کند. در برخی موارد، مخالفین این جریان اصلی، به دلایل نامعلوم و مشکوک حذف می‌کنند. مثلاً دو سال پس از این که جیمز توبین نوبلیست در ۱۹۶۵ نشان داد که پول مهم است، یک دانشجوی دکتری که نابغه بود، با روش‌های ریاضی پیشرفته در رساله دکتری‌اش، اثبات کرد که پول مهم نیست و نظر توبین را رد کرد. این فرد که نامش سیدراسکی است، چند ماه بعد و در سن ۲۹ سالگی فوت شد. همچنین

پس از این که بوم باورک (استاد بزرگ)، در مورد دلایل تفاوت بهره و ربا استدلال‌هایش را توسعه داد، یک نابغه ریاضی انگلیسی به نام فرانک رمزی که البته مسیحی هم بود، استدلال‌های بوم باورک و پیروانش را مردود اعلام کرد و به آنها به شدت تاخت. اما این فرد نیز دو سال بعد از انتشار مقاله‌اش در سن ۲۷ سالگی درگذشت! همچنین یک نابغه هندی (آیاگری) در سال ۱۹۹۴ فرایند بالا را در چارچوب اقتصاد ریاضی پیشرفته به چالش کشید و بانکداران را به مبارزه طلبید. او نیز مدتی بعد در سن ۴۶ سالگی در ۱۹۹۷ درگذشت!

البته گزارش فوتی‌های مشکوک، اندکی فراتر از این است.

شاید تصور عموم بر این باشد که مخوف‌ترین سازمان آمریکایی، سازمان سیا باشد، اما به نظر می‌رسد فدرال رزرو، مرموزترین است. فدرال رزرو یک سازمان کاملاً مستقل از دولت و کنگره آمریکا است. فدرال رزرو نه درمقابل دولت فدرال و نه درمقابل کنگره، پاسخگو نیست، اما سازمان سیا به حکم سلسله مراتب سازمانی و ساختار بودجه‌ای، مانند هر سازمان دولتی دیگری در آمریکا باید پاسخگو باشد. فدرال رزرو یک سازمان دولتی نیست. برای تأمین مالی‌اش، هیچ وجهی از کنگره یا دولت دریافت نمی‌کند.<sup>۵</sup> فدرال رزرو به معنای واقعی کلمه، یک بانک مرکزی مستقل است. ایده استقلال بانک مرکزی که امروزه مطرح می‌شود، زاییده ساختار سازمانی مذکور بوده و اغراض سیاسی را دنبال می‌نماید.<sup>۶</sup>

به نظر می‌رسد که آمریکایی‌ها، داده‌های اقتصادی ایران در خصوص میزان رشد نقدینگی و تورم در ایران را با دقت بالا رصد می‌کنند.

---

<sup>۵</sup> این عبارت به‌طور دقیق و شفاف در وب سایت فدرال رزرو درج شده است.

<sup>۶</sup> بانک مرکزی در آمریکا تنها مستقل است، بلکه خصوصی است (از نوع خانوادگی و موروثی)! این موضوع بحث مفصل و مستقلی را می‌طلبد که خارج از هدف این نوشتار است. نتیجه این موضوع، تسلط پول بر سیاست و دولتمردان در آمریکا است.

جالب است بدانیم هم‌اکنون در اقتصاد اسلامی، برخی از ما اقتصادی‌ها از همین دلایل بوم باورک و پیروان او (البته ناقص) استفاده می‌کنیم برای این‌که نشان دهیم سود از بهره متفاوت است!! یعنی از همان دلایلی که بوم باورک و پیروانش مانند ایروینگ فیشر، فون مایرز (شاگرد بوم باورک) و ... برای دفاع از بهره (Interest) درمقابل ربا (Usury) استفاده می‌کنند، هم‌اکنون برخی از ما اقتصادخوانده‌های مسلمان که محلل ربا شده‌ایم، برای دفاع از سود (Profit) درمقابل بهره استفاده می‌کنیم.

قریب به یقین شما مطالب بالا را باور نخواهید کرد.

این است قدرت بنکرهای اقتصاددان!

انشاءالله مفید باشد.

رسول بخشی دستجردی

۱۲ خرداد ۹۶



بن برناکه



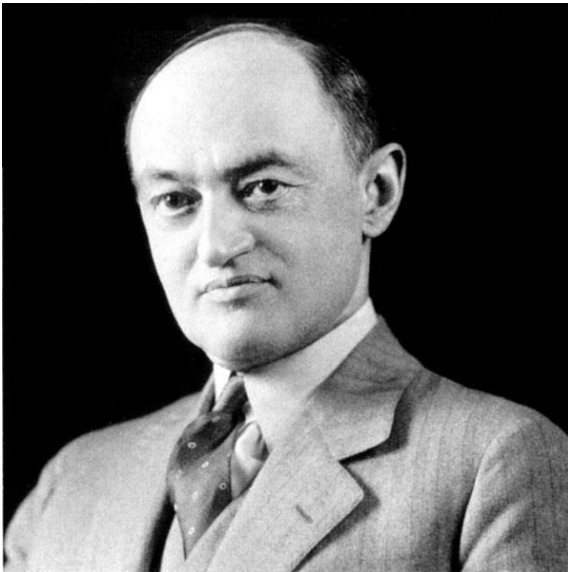
ژانت یلن



استانلی فیشر



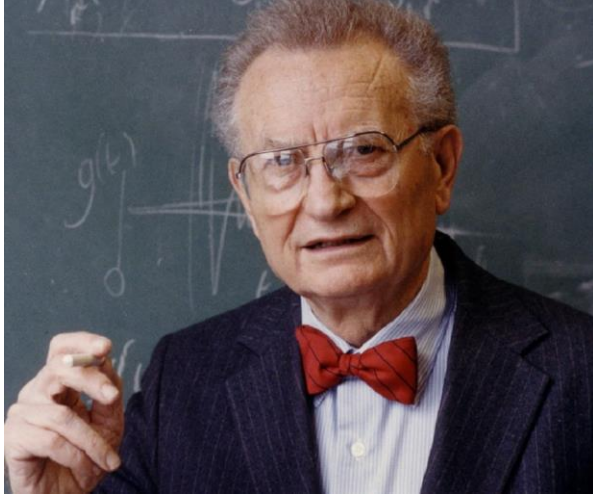
جیمز توین



یوزف شومپیتر



بوم باورک



پل ساموئلسن



جورج آکرلوف



رائو آياگری



میگل سیدراسکی



فرانک رمزی